



اثر هنری باید از منبر و تعزیه جلوتر باشد

مانع شرعی نمایش اولیاء دین در فیلم‌ها چیست؟

همشهری آنلاین: مسئول تیم پژوهشی فیلم «ملک سلیمان» در خصوص نمایش چهره اولیای دین در فیلم‌ها گفت: در اجتهاد از وحی، روایات، سیره و سنت، عقل و عرف استفاده می‌شود و در خصوص تصمیم‌گیری درباره نمایش یا عدم نمایش چهره اولیای خدا در فیلم‌ها نیز باید به این مسایل توجه شود.

به گزارش خبرنگار مهر، در پی اکران فیلم سینمایی رستاخیز در جشنواره فیلم فجر و نمایش چهره تنی چند از اولیاء خدا مانند **حضرت عباس (ع)**، حضرت علی اکبر (ع) و حضرت قاسم (ع) در این فیلم، بحث‌های زیادی پیرامون جواز نمایش چهره این اولیاء در فیلم‌ها و سریال‌ها انجام شد. از سوی دیگر، این روزها خبرهایی شنیده می‌شود مبنی بر این که برخی کشورهای عربی خاورمیانه نمایش فیلم سینمایی هالیوودی «نوح» را به دلیل نمایش چهره **حضرت نوح (ع)** در این فیلم تحریم کرده‌اند. در همین رابطه گفت‌وگویی با حجت الاسلام سعید اصفهانیان محقق و مسئول تیم پژوهشی فیلم «ملک سلیمان» داشتیم و از وی در خصوص مبانی فقهی و شرعی که در نمایش چهره انبیاء و اولیاء لحاظ می‌شوند سؤالاتی را پرسیدیم که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

• خط قرمزهای دین برای نمایش چهره انبیاء و اولیاء در آثار نمایشی چیست و این خط قرمزها در کدام آموزه‌های دینی (وحیانی یا روایی) ریشه دارند؟

اجتهاد دارای مکانیسم روشن و متقنی است و اگر در آن از منبع وحی بهره گرفته می‌شود از روایات متقن، عقل و سیره و سنت نیز استفاده می‌شود. از سوی دیگر، در اجتهاد به عرف و تأثیر آن در پیشبرد یا انحراف جامعه نیز توجه می‌شود و این گونه نیست که فقط آیات صریح قرآن در فقه مورد توجه قرار گیرند و تنها منبع اتکاء فقه، آیات قرآن باشند. همچنین به ما تأکید کرده‌اند که عقل باید به عنوان یک قوه خدادادی در حوزه قرآن و روایت و سنت تعیین تکلیف کند.

امام صادق (ع) و سایر معصومین نیز توجه به عرف را مدنظر داشتند. به عنوان مثال شخصی خدمت امام صادق (ع) رسید و از پوشش مناسب و نسبتاً فاخر ایشان تعجب کرد. حضرت در واکنش به تعجب آن شخص لباسشان را کنار زدند و لباس خشنی را که زیر آن لباس فاخر پوشیده بودند به او نشان دادند. در واقع، امام به این مساله توجه داشتند که چه بسا پوشیدن لباس خشن در آن شرایط و موقعیت زمانی ممکن است اثر تربیتی منفی روی مومنین داشته باشد هرچند آن نوع از پوشش مطلوب خود ایشان بود. نمایش چهره معصومین نیز جزو ده‌ها هزار موضوعاتی است که در دین با همین مکانیسم مطالعه می‌شود و این در مورد مساله نیز با توجه به آیات و روایات صریح یا با استفاده از عقل و سیره و عرف تصمیم‌گیری می‌شود.

• در کشور ما چهره انبیاء مانند حضرت یوسف یا حضرت سلیمان در فیلم‌ها پخش شده است اما چهره ائمه معصوم به نمایش درنیامده و بر سر نمایش یا عدم نمایش چهره بزرگانی مانند حضرت عباس (ع) نیز اختلاف نظر وجود دارد. آیا این تفاوت‌ها ریشه‌های فقهی دارند یا این که صرفاً سلیقه‌ای و عرفی هستند؟

خیر! این مساله ریشه فقهی دارد و سلیقه‌ای نیست. در فقه به حسب مبانی و اصولی که وجود دارد مجتهد در مورد مساله‌ای به تشخیصی می‌رسد که این تشخیص ممکن است درست یا خطا باشد. اگر مجتهدی بر اساس اصول تلاش کرد و به نظر دین رسید دو اجر نزد خدا دارد اما اگر تلاش کرد ولی به نتیجه‌ای رسید و آنرا مطرح کرد که آن نتیجه اشتباه بود باز هم نزد خداوند اجر دارد. در واقع، نظرات مختلف و اختلاف آرا وجود دارد اما خداوند به تلاش برای رسیدن به نتیجه مورد نظر دین بها می‌دهد. در مورد نمایش چهره پیامبران باید بگویم که ما بر اساس نگاه دینی معتقد هستیم که پیامبر خاتم، افضل پیامبران و سید رسل و سرآمد پیامبران هستند و فاصله ایشان با سایر انبیا بسیار زیاد است. وصی یا اوصیای پیامبر نیز نسبت به سایر پیامبران و اوصیای ایشان افضل هستند. پس اگر چهره انبیاء در فیلم‌های ما نشان داده می‌شود دلیل بر این نیست که چهره اهل بیت نیز نشان داده شود.

دلیل دومی که برای این مساله می‌توان مطرح کرد دلیل عرفی است. در جامعه جهانی نمایش چهره پیامبران به عنوان عرف شکل گرفته است و ده‌ها اثر هالیوودی از دهه 60 و 70 میلادی تولید شده‌اند که براساس کتب عهدین به ترسیم زندگی پیامبران پرداخته‌اند. البته، در این آثار تولید شده تحریف و توهین نیز بسیار دیده می‌شود. از سوی دیگر، در آنجا مسایلی مهمتر از نمایش چهره نیز رعایت نمی‌شود. مثلاً آنها در فیلم‌هایشان به یک نبی اتهام بت پرستی زده‌اند یا اصل حلال زادگی یک نبی را از مشروعیت خارج می‌کنند که اینها جزو مبانی روشن است. وقتی این مسایل در آثار آنها وجود دارد دیگر نمایش یا عدم نمایش چهره پیامبر برایشان مساله مهمی نیست. حال ما نمی‌توانیم بگویم چون چهره انبیا نشان داده می‌شود چهره اهل بیت و حضرت عباس هم نمایش داده شود. این مسایل با هم متفاوت است و ما باید به فضای فرهنگی متفاوتی که داریم توجه کنیم.

در مذهب تشیع، حضرت عباس (ع) و **حضرت زینب (س)** انسان‌هایی هستند که باب ورود به اباعبدالله (ع) می‌باشند. یکی از القاب حضرت عباس (ع)، باب الحسین (ع) است و ایشان یک انسان صرفاً تاریخی نیست بلکه انسانی فرازمانی و فرامکانی است که روایت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» در مورد ایشان صدق می‌کند. ایشان در عرف جامعه دارای قداست است و نمایش یا عدم نمایش چهره ایشان را نباید با خارج مقایسه کنیم. این قیاس، قیاس مع الفارق است و باید در این خصوص مطالعات عقلی و عرفی انجام شود.

عقل می‌گوید نمایش چهره این انسان مثبت نیست زیرا وقتی چهره یک انسان عظیم که در آرمان‌های ما جا دارد ترسیم شود ما آن چهره را می‌بینیم و آن را از قداست خارج می‌کنیم و سیر تاریخی فیلم را اوج سیر این فرد می‌بینیم. آیا ما در یک اثر سینمایی که پشتوانه متقنی هم ندارد و یک کار دلی است و حتی یک محقق برجسته هم ندارد حق داریم نگاه شخصی خود را وارد کنیم که این مساله دارای تبعات عرفی است؟ اگر شخصی که به جای این چهره بازی کرده خدای نا کرده دارای انحراف شد ممکن است در گویش مردم شوخی‌هایی نسبت به این مساله شکل گیرد و قداست آن چهره مقدس خدشه‌دار شود. کما این که در گذشته نیز مشابه این اتفاق افتاده و افرادی بودند که نقش‌های مثبت بازی کردند اما تصویرشان از جاهای دیگر بیرون آمد. این مساله به اعتقادات مردم آسیب وارد می‌کند.

- چرا در تعزیه حساسیت‌هایی که نسبت به فیلم‌ها و سریال‌ها وجود دارد مطرح نیست و حتی شاهد نمایش چهره معصومین نیز هستیم؟

قالب‌های هنری متفاوت هستند و ظرفیت‌های مختلفی دارند. مثلاً شما ممکن است در رمان به گونه‌ای یک موضوع را پرداخت کنید که در نقاشی امکان آن نوع پرداخت وجود ندارد. مردم به تعزیه به عنوان یک کار اثرگذار فاخر مثل فیلم سینمایی نگاه نمی‌کنند. من تعزیه را دوست دارم و قصد بی احترامی به آن را ندارم اما تعزیه در مقایسه با فیلم سینمایی، یک نمایش دست پایین است که به بیان واقعه و تاریخ کربلا می‌پردازد و ماندگار هم نیست. مردم کنار خیابان یا در هیئات می‌نشینند و شاهد نمایش افرادی هستند که شاید برخی از آنها چندان هم هنرمند نباشند و تعزیه را بهانه‌ای برای گریستن برای **اهلم حسین (ع)** می‌دانند. اما در سینما قصه‌ای که به نمایش در می‌آید بیان یک واقعه برای یک لحظه نیست و این اثر ماندگار می‌شود و در تاریخ می‌ماند و به عنوان یک سفیر فرهنگی نگاه شیعی را به سایر کشورها و ملل ارائه می‌کند. بحث عرف، کارکردها و قابلیت‌های قالب تعزیه و فیلم به ما می‌گوید نگاهی که به تعزیه داریم را به فیلم سینمایی نداشته باشیم.

- با توجه به اتفاقاتی که در مورد فیلم حضرت نوح افتاده و برخی از کشورهای عربی خاورمیانه که عموماً کشورهای سنی مذهب هستند نمایش این فیلم را در کشورهای خود تحریم کرده‌اند بفرمایید تفاوت بین خطوط قرمز شیعه و اهل سنت در این خصوص چیست؟ زیرا در ایران پیامبران و حتی پیامبران اولوالعزم نیز در فیلم و سریال‌ها به تصویر کشیده شده‌اند.

اهل سنت معتقد هستند که نمایش تصویر انبیاء دارای حرمت است. نظر شخصی من این است که اگر ما امروز در فیلم‌هایمان چهره پیامبران را نشان می‌دهیم به این دلیل است که فضای جامعه جهانی نسبت به این مسأله مقاومتی نداشته و سؤالی در این خصوص نیز برای جامعه خودمان مطرح نبوده است زیرا ما سایر پیامبران را در مرتبه‌ای پایین‌تر از نبی اکرم (ص) می‌دانیم و به همین دلیل در این خصوص مشکلی نداشته‌ایم. اما از وقتی مسأله نمایش یا عدم نمایش چهره اولیاء دین مانند حضرت عباس (ع) مطرح شد این بحث نیز پیش آمد که چه تفاوتی بین نمایش چهره انبیاء و اولیاء وجود دارد. متأسفانه در نگاه عرفی ما این دیدگاه وجود دارد که انبیاء دیگر غیر از پیامبر خاتم، انبیاء مکاتب دیگر هستند و پیامبر ما نیستند در حالی که در قرآن این دیدگاه وجود ندارد. همین مسأله نیز باعث شده که در عرف مشکلی در این خصوص وجود نداشته باشد اما بحث هنگامی ایجاد شد که هنرمندان خواستند در فیلم‌هایشان تصویر حضرت عباس (ع) و حضرت علی اکبر (ع) را نشان دهند.

- فقه تا چه اندازه دست فیلم‌سازان را برای نزدیک شدن به چهره‌های مذهبی به خصوص انبیاء و ائمه (ع) باز گذاشته است؟

تفقه به معنای کاوش عمیق کمک می‌کند که از میان این کاوش عمیق تولیدات خوبی بروز و ظهور پیدا کنند. اگر ما بحث راجع به قصه‌های تاریخی دینی را محدود به این مسأله کنیم که باید چهره‌ها را نشان دهیم یا خیر، مشکل پیش می‌آید. تفقه در نوع پژوهش است و تعامل بین هنرمند و محقق باعث می‌شود هنرمند از ظرفیت‌های نهفته دین استفاده کند و محقق نیز از ظرفیت‌های هنری بهره‌برد. متأسفانه برخی از فیلمسازان از ظرفیت‌های تفقهی بهره نمی‌برند اما اگر این ظرفیت‌ها در نگاه معرفتی به کربلا یا تاریخ انبیا به کار گرفته شود از تعامل میان آنها خروجی ارزشمندی خواهیم داشت. در واقع، آثاری که از ظرفیت هنری و ظرفیت فقهی که توسط محققان مطرح می‌شود درست استفاده می‌کنند می‌توانند یک اثر هنری و معرفتی خوب و ارزشمند باشند.

فیلم رستاخیز اولین فیلمی نیست که برای ما به صورت جدی مسأله شده است. مشکل اصلی ما نمایش چهره نیست. آیت‌الله علم‌الهدی بعد از دیداری که با آقای ایوبی داشتند گفتند 18 اشکال از این فیلم گرفتند که نمایش چهره یکی از این اشکالات است. ما نباید اشکالات معرفتی و تاریخی را کنار بگذاریم و فقط به مسأله نمایش چهره بپردازیم. رسانه‌ها باید به هنرمندان کمک و فضا را تلطیف کنند و ظرفیت‌های فقهی را تنها محدود به نمایش یا عدم نمایش چهره نکنیم. ما باید به سمت مباحث فکری مربوط به امام حسین (ع) برویم و ببینیم آیا نگاه معرفتی در آثار ما وجود دارد یا خیر؟ ما در مجلس امام حسین (ع) از گناه پاک می‌شویم و امیدوار به یک آینده روشن در ارتفاعات معنویت گام برمی‌داریم. اثر هنری نیز باید از منبر و تعزیه جلوتر باشد و باید ببینیم آیا این اثر هنری می‌تواند روح مخاطب را از تعلقات زمینی جدا کند و او را در ارتفاعات معنویت قرار دهد یا خیر؟ اگر این گونه باشد پس آن اثر هنری مبانی معرفتی درستی دارد.